

## عنوان مقاله:

تاثیر طلاق عاطفی و احساس تنهایی بر گسترش خیانت زناشویی

## محل انتشار:

دوازدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

## نویسنده:

پریرسا صفرلو - کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه علوم و تحقیقات

## خلاصه مقاله:

خانواده، نهادی مقدس و اصیلترین پایه زندگی اجتماعی است. بقاء و دوام جامعه انسانی به دوام خانواده بستگی دارد و صلاح و فساد فرد و اجتماع نیز در گرو صلاح و فساد خانواده است. یکی از معیارهای خانواده منسجم وجود پیوند عاطفی بیناعضای آن است. عوامل گوناگونی به این پیوند آسیب رسانده و هنجارهای اصیل خانواده را تهدید می کند که این عوامل گاه منجر به طلاق عاطفی می شود. طلاق عاطفی به سردی روابط میان زن و شوهر گفته می شود که در این رابطه ضعف ارتباط احساسی و عاطفی منجر به سردی تمام روابط یک زوج می شود. همچنین وجود این مشکل در یک رابطه موجب بی مهری و کم شدن انرژی های مثبت می شود و زوجها در بیگانگی دنیای یکدیگر برای همیشه گم می شوند و برای هم فقط یکهم خانه ای که به هم عادت دارند، باقی میمانند. با این فاصله گرفتن روحی از هم هرکدام در خلوت خود دیگری را به بی مهریو عدم درک متقابل متهم می کنند. طلاق عاطفی را اولین مرحله فرآیند طلاق میدانند که بیانگر رابطه زناشویی روبه زوال است که احساس تلخ بیگانگی جایگزین آن شده است. همین طلاق عاطفی زمینه ساز خیانت زناشویی می گردد. این مقاله به روشی مروری و کتابخانه ای به بررسی تاثیر طلاق عاطفی و احساس تنهایی بر گسترش خیانت زناشویی می پردازد. نتایج نشان داد نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی باهمسر یکی از مهمترین عوامل در تبیین روابط خیانت زناشویی محسوب می شود. دلیل آن می تواند عدم آگاهی و یادگیری مهارت های زناشویی با اختلافات جنسی زوجین باشد بنابراین هر چه زوجین از این مهارت های ارتباطی کمتر برخوردار باشند زمینه های بروز بی توجهی و ارضا نکردن نیازهای همدیگر کاهش یافته و در نهایت خیانت بیشتر فراهم می شود.

## کلمات کلیدی:

ازدواج، طلاق عاطفی، احساس تنهایی، خیانت زناشویی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1993281>

